

## زبان از گفتن اش بی کلام، قلم از نوشتنش عاجز، فکر از باورش ناتوان است

روزگار بار دیگر چهره کریه و زشتش خویش را نمایش گذاشت. او بار دیگر نشان داد که چقدر می تواند ناعادلانه و نامنصفانه باشد! آیا می شود باور کرد که همیشه بهترینها و نادرترینها و عزیزترینها ما را تنها بگذارند؟

با تمام وجود خشمگین و متاثر از این همه بی عدالتی می باشم. اما این بی عدالتی این بار گریبان برجسته ترین و کمونیست ترین انسان عصر ما را گرفت. انسان خوب و نازنینی بنام ژوبین رازانی، منصور حکمت را!

وداع با نادر ممکن نیست! کسانی که راهش را انتخاب کردند، افتخار همکاری و آشنائی با او را داشتند، برای همیشه جای خالی اش را احساس خواهند کرد.

ما رهبر و سرمشقمان را از دست دادیم و بشدت درمانده در این زمان خود را تنها می یابیم. نادر عزیز، دوستت داریم و راهت را ادامه خواهیم داد، پرچمی را که برافراشتی بزمین نخواهیم گذاشت، پیروزی از آن ماست.

حامیان لحظه ائی آرام نخواهند گرفت، درسهایت را فراموش نخواهند کرد.

خانوادهات میراث گرانبهایتوست. آنان را هیچگاه تنها نخواهیم گذاشت.

آذرعزیز تو و فرزندان را میبوسم و در قلبم میفشارم .

بگذار آدمها بدونند همیشه بیهوده نپوسید      همیشه خورشید شد و تابید همیشه آسمونوبوسید

ریتا کاظمی

۲۰۰۲/۰۷/۰۵